

تجزیه و تحلیل کمی و کیفی موانع مشارکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی مطالعه بین فرهنگی در کشورهای ایران و مجارستان

حمیدرضا میرصفیان^۱

چکیده

مقدمه و هدف: هدف این پژوهش تجزیه و تحلیل کمی و کیفی موانع مشارکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی در دانشگاه‌های ایران و مجارستان بوده است.

روش‌شناسی: در این پژوهش از مدل سلسله مراتبی موانع فراغت به عنوان چهارچوب نظری استفاده شده است. ۱۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران و ۷۹۳ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مجارستان به پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته که به زبان فارسی و مجاری ترجمه شده بود، پاسخ دادند. همچنین از ۶۰ نفر از دانشجویان دو کشور مصاحبه نیمه سازمان‌یافته بعمل آمد. از روش‌های آماری آزمون t و MANOVA برای آنالیز داده‌های کمی و از روش تحلیل محتوایی به منظور تحلیل داده‌های کیفی پژوهش استفاده شده است. **یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی و مجاری در درک موانع درون فردی و ساختاری با یکدیگر تفاوت دارند، اما تأثیر موانع بین فردی بر مشارکت آنها در فعالیتهای ورزشی یکسان است. همچنین دختران دانشجویان در دانشگاه‌های ایران هر سه گروه موانع را بیشتر از پسران دانشجویان تجربه می‌کنند، در حالی که تفاوتی در بین دانشجویان دانشگاه‌های مجارستان با توجه به جنسیت وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: از نتایج این‌گونه برداشت می‌شود که صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی موجود در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان شرایط مختلف اجتماعی-اقتصادی در دو کشور می‌تواند بر نگرش و گرایش دانشجویان در دو کشور برای شرکت در فعالیتهای ورزشی مؤثر باشد. شاید نگرش نه‌چندان مثبت مردم به ورزش زنان در ایران از جمله بیشترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت دختران دانشجویان در فعالیتهای ورزشی باشد. از طرف دیگر، شاید بتوان رشد فناوری و تکنولوژی را از یک سو و شرایط اقتصادی نه‌چندان مناسب مجارستان و دانشگاه‌های آن کشور را از جمله عوامل مؤثر بر میزان مشارکت دانشجویان مجاری در فعالیتهای ورزشی دانست.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات اجتماعی، اوقات فراغت، محدودیت‌های فرهنگی، نابرابری جنسی.

امروزه ورزش یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح شده و همواره مردم در تمام سنین به مشارکت در فعالیت‌های بدنی توصیه می‌شوند، اما عده زیادی از مردم از الگوی زندگی کم‌تحریکی، خواسته یا ناخواسته پیروی می‌کنند. این موضوع در میان دانشجویان دانشگاه‌ها به طور چشمگیری مشاهده می‌شود (۱) که شاید به دلیل موانع مختلف پیش روی آنها در جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی باشد.

بررسی موانع مشارکت در فعالیت‌های فراغتی و ورزشی به طور کلی به عنوان مکانیسمی برای درک بهتر و عمیق‌تر عوامل تأثیرگذار بر افراد در جهت شرکت در فعالیت‌های بدنی به کار می‌رود (۲). در واقع این شناخت اگر به صورت صحیح و عمیق صورت گیرد، می‌تواند به تغییر در تمایلات، نگرش‌ها و گرایش‌های افراد به فعالیت‌های ورزشی بیانجامد (۳، ۴).

تحقیقات زیادی در ارتباط با موانع مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تاکنون در دنیا انجام شده است. هولستمن^۲ در سال ۱۹۹۲ مشکلات خانوادگی و موانع ساختاری را از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا دانست (۵). یانگ، روز و بارسلونا^۳ (۲۰۰۳) همچنین محدودیت‌های زمانی و مالی را مؤثرتر از دیگر عوامل بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا می‌دانستند (۶). در پژوهشی دیگر، ماسمانیدیس، گارگالیانوس و کوستا^۴ (۲۰۰۹) در بررسی ۳۰۴۱ دانشجو در دانشگاه‌های یونان به این نتیجه رسیدند که محدودیت در دسترسی، محدودیت در دریافت اطلاعات و همچنین موانع اجتماعی بیشتر از دیگر عوامل مانع مشارکت دانشجویان به ورزش در دانشگاه‌های آن کشور می‌گردد. همچنین آنها بیان کردند که ارتباط معناداری بین میزان مشارکت دانشجویان و میزان درک آنها از موانع مذکور وجود دارد (۷). احسانی نیز در سال ۲۰۰۳ به نتایج مشابهی دست یافت. او نشان داد که موانع ساختاری از جمله بیشترین عوامل مؤثر بر عدم مشارکت دانشجویان ایرانی در فعالیت‌های بدنی می‌باشد. وی بیان کرد که مشارکت کمتر و یا عدم شرکت در فعالیت‌های بدنی نتیجه درک و تجربه بیشتر موانع بوده است (۸).

در بررسی دانشجویان دانشگاه‌های مجارستان، سابو^۵ (۲۰۰۶) مشکلات مالی، محدودیت در دسترسی به امکانات ورزشی جدید و عدم وجود شریک و یار مناسب برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی را، بدون توجه به جنسیت، مؤثر بر میزان مشارکت دانشجویان آن کشور در فعالیت‌های ورزشی دانسته است. وی بیان کرد که دانشجویان آن کشور با میزان توانایی بالای برقراری ارتباطات اجتماعی میزان مشارکت بیشتری در فعالیت‌های بدنی دارند (۹). در مقابل، دانشجویان در آفریقای جنوبی از موانع فیزیکی و موانع اجتماعی - فرهنگی به عنوان مؤثرترین عوامل بر مشارکت ورزشی خود نام بردند (۱۰).

در مقایسه دانشجویان دانشگاه‌های هنگ‌کنگ و استرالیا هیو، تاسی و کلمن^۶ (۲۰۰۷) نشان دادند تأثیر تمامی گروه‌های موانع بر فرایند تصمیم‌گیری و گرایش دانشجویان دانشگاه‌های هنگ‌کنگ بیشتر از دانشجویان دانشگاه‌های استرالیا بوده است. حال آنکه دانشجویان استرالیایی بیشتر از گروه دیگر مشکلات مالی را مؤثر بر شرکت در ورزش می‌دانستند (۱۱). در پژوهشی دیگر بیرامی (۱۳۸۷) نشان داد که تأثیر موانع مختلف بر دانشجویانی

۱ Sedentary lifestyle

۲ Hultsman

۳ Young, Ross & Barcelona

۴ Masmanidis, Gargalianos & Kosta

۵ Szabó

۶ Hiu, Tsai & Coleman

با وضعیت مالی ضعیف بیشتر از دیگر دانشجویان است (۱۲). همچنین داداشی (۱۳۷۹) عواملی نظیر محدودیتهای اجتماعی و فرهنگی و عدم علاقه به شرکت در ورزش را از جمله موانع پیش روی دانشجویان دانست (۱۳). در ارتباط با تأثیر موانع با توجه به متغیر جنسیت نیز تحقیقات مختلفی انجام گرفته است. به طور کلی زنان دانشجویان از پتانسیل بالاتری برای درک موانع برخوردارند که این موضوع بیشتر در کشورهای در حال توسعه شایع است (۱۴). به عنوان مثال عزب دفتران (۱۳۷۸)، داداشی (۱۳۷۹) و احسانی (۲۰۰۷) گزارش دادند که دختران دانشجوی موانع فردی، اجتماعی و ساختاری را بیشتر از مردان دانشجویان تجربه می کنند (۱۶، ۱۳، ۱۵). همچنین دختران دانشجویان در دانشگاههای یونان تجربه ای بیشتری در درک تمامی گروه موانع در مقایسه با مردان دانشجویان داشته اند (۱۷). در مقابل، این تفاوت های جنسیتی در میان دانشجویان دانشگاه های مجارستان مشاهده نشده است (۹).

چهارچوب نظری پژوهش

مدل سلسله مراتبی موانع فراغت به عنوان چهارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است (۱۸). موانع در این مدل به سه گروه درون فردی^۱، بین فردی^۲ و ساختاری^۳ تقسیم بندی شده اند. موانع درون فردی بیشتر در ارتباط با ویژگی های روان شناختی و درونی افراد (مثل فاکتورهای شخصیتی، نگرش و یا حالت های روان شناختی موقتی (مثل خلق و خو) می باشد (۱۸). موانع بین فردی بیشتر نتیجه ارتباطات بین افراد، مبادلات بین فردی، و وجود دوست و همراه برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی است (۱۹) و موانع ساختاری نیز شامل عواملی مثل کمبود امکانات و تجهیزات، کمبود زمان و محدودیتهای مالی بوده که نتیجه عوامل بیرونی و محیطی می باشد (۲۰). این سه گروه موانع دارای قدرت تأثیر برابری بر مشارکت افراد نمی باشند و در واقع میزان تأثیر و قدرت گروه موانع درون فردی بیشتر از دو گروه دیگر موانع است (۱۹). همچنین افراد در ابتدا موانع درون فردی را تجربه کرده و تنها اگر نتوانند بر آنها فائق بیایند موقعیت تجربه گروه موانع بعدی را خواهند داشت (۱). مدل سلسله مراتبی موانع فراغت در پژوهش های زیادی مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از محققان عدم و یا مشارکت کم افراد در فعالیتهای ورزشی را نتیجه تجربه بیشتر آنها در درک موانع مختلف می دانند. این در حالی است که درک بیشتر موانع الزاما بر مشارکت پایین افراد نمی انجامد (۲۱). به بیان دیگر افراد می توانند حتی با وجود موانع مختلف (بین فردی و ساختاری) به مشارکت در ورزش بپردازند و این تنها در حالتی است که سد موانع درون فردی وجود نداشته باشد و یا اینکه افراد بر این گروه از موانع (حداقل تا حدودی) فائق آمده باشند. از آنجا که پژوهش حاضر یک پژوهش بین فرهنگی بین دو کشور ایران و مجارستان بوده، لذا مطالعه مختصری از وضعیت فرهنگی و ورزشی کشور مجارستان به درک بهتر نتایج این پژوهش کمک می کند.

مجارستان

مجارستان کشوری است واقع در اروپای مرکزی که پایتخت آن بوداپست می باشد. جمعیت این کشور در حدود ۱۲ میلیون نفر بوده و مذهب غالب در آن کاتولیک است. زبان رسمی این کشور مجاری و زبان دوم رایج در آن انگلیسی می باشد. مجارستان در سال ۱۹۹۴ به اتحادیه اروپا پیوست. قسمت عمده صادرات این کشور از ماشین آلات کشاورزی، ماشین آلات صنعتی و پرورش غلات تشکیل می شود (۲۲).

۱ Intrapersonal

۳ Structural

۲ Interpersonal

مجارستان جزء ده کشور اول جهان در کسب مدال طلا در تاریخ رقابت‌های المپیک است. تنوع رشته‌ها و مدال‌های کسب شده توسط ورزشکاران این کشور در رقابت‌های المپیک قابل توجه است. ورزشکاران این کشور در رشته‌های شنا، واترپولو، قایقرانی، شمشیربازی، ژیمناستیک، دوومیدانی، بوکس، تیراندازی، کشتی، جودو و غیره تاکنون موفق به کسب مدال در رقابت‌های المپیک شده‌اند. ورزشهای زمستانی نیز در این کشور رونق فراوان داشته و هاکی روی یخ و اسکی از جمله ورزشهای مدال آور و محبوب در آن کشور است.

ورزش دانشگاهی در مجارستان رونق زیادی دارد. در واقع، دومین فدراسیون ورزش دانشگاهی پس از آمریکا در مجارستان در سال ۱۹۰۸ تأسیس گردیده است. همچنین یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های ورزش اروپا در پایتخت این کشور قرار دارد و قهرمانان ورزشی و اساتید زیادی در این دانشگاه مشغول به فعالیت می‌باشند! ورزش همگانی نیز در مجارستان و دانشگاه‌های این کشور علاقه‌مندان زیادی دارد و همواره عده کثیری از افراد در سنین مختلف در فعالیت‌های ورزشی مشارکت دارند (۲۳).

پژوهش حاضر درصدد شناخت و مقایسه موانع مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان در فعالیت‌های بدنی ورزشی (به روش کمی) و در ادامه درک و شناخت کامل‌تر و عمیق‌تر از ریشه و منشاء موانع اثرگذار بر مشارکت دانشجویان (به روش کیفی) در دو کشور بوده است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- ۱- موانع مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان در فعالیت‌های ورزشی چیست؟
 - ۲- آیا بین موانع مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان در فعالیت‌های ورزشی تفاوتی وجود دارد؟
 - ۳- چه تفاوتی میان دانشجویان در دانشگاه‌های ایران و مجارستان با توجه به فاکتور جنسیت وجود دارد؟
 - ۴- کدام یک از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر مشارکت دانشجویان دو کشور تأثیرگذار است؟
- و در نهایت هدف پژوهشگر مشخص کردن وضعیت دو کشور در ارتباط با موضوع این پژوهش و در خاتمه ارائه راهکارهایی برای ارتقاء مشارکت دانشجویان در ورزش در ایران و مجارستان می‌باشد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش توصیفی از نوع پیمایشی و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌ها استفاده شده است. همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی برای بخش مصاحبه استفاده گردید.

جامعه‌ی آماری

کلیه‌ی دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی ایران ($N=81$) به تعداد ۵۳۹۵۷۹ نفر و در دانشگاه‌های دولتی مجارستان ($N=28$) به تعداد ۲۱۴۳۴۴ نفر جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۱ University of Physical Education. TF (Semmelweis University)

۲. روش تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای اطلاعات از طریق فرایندی نظام‌مند دانست. این روش تحقیقی به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا اصالت و حقیقت اطلاعات را به گونه‌ی ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. در واقع تحلیل محتوای کیفی به محققان کمک

می‌کند تا حقایق و واقعیات را به همان صورتی که نمونه‌های پژوهش آنرا تجربه کرده‌اند درک کنند.

تحلیل محتوای کیفی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد و محققان در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مانند ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی از این روش تحقیقی استفاده می‌کنند.

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای با توجه به حجم جامعه‌ی آماری استفاده شده است. دانشگاه‌ها در هر کشور از مناطق جغرافیایی مختلف به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. هفت دانشگاه از ایران^۱ و نه دانشگاه از مجارستان^۲ برای این پژوهش انتخاب شدند. دانشجویان در دانشگاه‌های منتخب از تمامی رشته‌ها و سطوح مختلف تحصیلی به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردیدند. در نهایت ۱۳۱۵ دانشجویان از دانشگاه‌های ایران (مرد=۶۰۵، ۴۶٪؛ زن=۷۱۰، ۵۴٪) و ۷۹۳ دانشجویان از دانشگاه‌های مجارستان (مرد=۳۸۷، ۴۹٪؛ زن=۴۰۸، ۵۱٪) در این پژوهش مشارکت داشتند.

لازم به ذکر است که نمونه‌های این پژوهش نمونه کاملی از جامعه آماری در دو کشور با توجه به تعداد دانشگاه، جنسیت، سطوح و رشته‌های مختلف تحصیلی بوده است.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از دو ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شده است که بشرح ذیل می‌باشد.

پرسش‌نامه

با توجه به هدف پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای در دو بخش تهیه شد. بخش اول مربوط به ویژگی‌های دموگرافیک و میزان مشارکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی بوده است. بخش دوم پرسش‌نامه مربوط به سنجش موانع مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی بوده که شامل ۴۰ سؤال (۱۵ سؤال مربوط به موانع درون فردی، ۵ سؤال مربوط به موانع بین فردی و ۲۰ سؤال مربوط به موانع ساختاری) به روش نمره‌دهی پنج امتیازی لیکرت بوده است. جهت تعیین روایی محتوایی ابزار، در ابتدا پرسش‌نامه با استفاده از پژوهش‌های گذشته در ۴۷ سوال به زبان انگلیسی تهیه شد که ۷ سوال آن بر اساس نظر ۱۰ نفر اساتید مربوطه از دو کشور (در رشته‌های مدیریت ورزشی و جامعه‌شناسی ورزشی) حذف شده و ۳۱ سوال آن نیز اصلاح گردید. سپس پرسش‌نامه به زبان فارسی و مجاری توسط گروهی از مترجمان با درجه علمی دکتری ترجمه گردید. ضریب پایایی پرسش‌نامه‌ها پس از انجام یک مطالعه‌ی مقدماتی بر روی ۶۰ نفر از دانشجویان از دانشگاه‌های دو کشور (۳۰ دانشجوی ایرانی و ۳۰ دانشجوی مجاری) و مشخص شدن واریانس سوالات از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب برای پرسشنامه فارسی ۰/۸۶ و برای پرسشنامه مجاری ۰/۸۳ به دست آمد.

مصاحبه

به منظور درک دقیق‌تر و عمیق‌تر درباره موانع مؤثر بر مشارکت دانشجویان در دو کشور در فعالیتهای ورزشی از روش مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته استفاده گردید. تعداد ۶۰ دانشجویان از رشته‌ها و سطوح مختلف تحصیلی از هر دو جنس از تمام دانشگاه‌های منتخب در ایران و مجارستان برای مصاحبه انتخاب شدند (۳۰ دانشجوی ایرانی و ۳۰ دانشجوی مجاری).

مصاحبه به دو زبان فارسی (توسط محقق) و زبان مجاری (توسط محقق و دو پروفیسور تربیت بدنی با گرایش مدیریت ورزشی کشور مجارستان) حول محورهای زیر انجام گرفت:

- میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی.

۱- دانشگاه‌های اهواز، اصفهان، کرمان، مشهد، ارومیه، تهران و کرمانشاه.
13- Budapesti Műszaki és Gazdaságtudományi
Egyetem, Eötvös Loránd Tudományegyetem,
Nemzeti Közszolgálati Egyetem, Óbudai Egyetem,

Eszterházy Károly Főiskola, Miskolci Egyetem,
Szegedi Tudományegyetem, Széchenyi István
Egyetem, Pécsi Tudományegyetem.

- فعالیت‌های انجام شده در اوقات فراغت.
 - فعالیت‌های بدنی (به غیر از ورزش) در زندگی روزمره.
 - نگرش به ورزش و فعالیت‌های بدنی.
 - عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی.
 - موانع مشارکت در فعالیت‌های ورزشی.
- زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۴۸-۳۳ دقیقه به طول انجامید.

روش‌های آماری

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی تحقیق، علاوه بر آمار توصیفی از آزمون t و MANOVA استفاده گردید ($P \leq 0/05$). داده‌های کیفی پژوهش (نتایج حاصله از مصاحبه) نیز پس از کدگذاری بر اساس محورهای مصاحبه با استفاده میزان فراوانی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها

نتایج این پژوهش نشان داد که عده کثیری از دانشجویان دانشگاه‌های ایران در فعالیت‌های ورزشی شرکت نمی‌کنند (۶۸٪/۳). ۱۹٪/۳ از آنها یک مرتبه در هفته و ۱۲٪/۴ از آنها دو مرتبه یا بیشتر در هفته در فعالیت‌های ورزشی مشارکت دارند. در مقابل ۴۱٪/۱ از دانشجویان دانشگاه‌های مجارستان در هیچ‌گونه فعالیت ورزشی شرکت نمی‌کنند. ۱۲٪/۴ از آنها یک مرتبه در هفته و ۳۶٪/۵ از آنها دو مرتبه یا بیشتر در هفته به ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌پردازند.

نتایج مرتبط با موانع مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی بر اساس ابعاد سه‌گانه چهارچوب نظری این پژوهش بیان شده است.

موانع درون فردی

در ارتباط با گروه موانع درون فردی نتایج نشان داد که این موانع از جمله عوامل مؤثر بر عدم مشارکت دانشجویان ایرانی در ورزش بوده، حال آنکه این دسته از موانع تأثیری بر گرایش دانشجویان مجاری نداشته است ($P \leq 0/05$) (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): تأثیر موانع درون فردی بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان در فعالیت‌های

ورزشی

کشور	میانگین	انحراف استاندارد	t	Sig
ایران	۳/۰۸	۰/۵۱	۵/۸۱	* ۰/۰۰۱
مجارستان	۲/۹۴	۰/۶۷	۲/۵۰	* ۰/۰۱

* = $p \leq 0/05$

همچنین بر اساس نتایج تفاوت معناداری بین دانشجویان دو کشور در ارتباط با تجربه موانع درون فردی مشاهده گردید:

$$F(1) = 29/824, p < 0/001, \eta^2 = 0/14$$

از طرف دیگر، نتایج نشان داد که محدودیتهای اجتماعی و فرهنگی مؤثرترین عامل درون فردی در جهت عدم مشارکت دانشجویان ایرانی در فعالیتهای ورزشی بوده است ($F(1) = ۰/۶۷$, $p \leq ۰/۰۹$).

موانع بین فردی

نتایج حاکی از تأثیر موانع بین فردی بر مشارکت هر دو گروه دانشجویان ایرانی و مجاری می باشد ($P \leq ۰/۰۵$) (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲): تأثیر موانع بین فردی بر مشارکت دانشجویان دانشگاههای ایران و مجارستان در فعالیتهای ورزشی

کشور	میانگین	انحراف استاندارد	t	Sig
ایران	۳/۱۱	۰/۷۶	۵/۲۷	* ۰/۰۰۱
مجارستان	۳/۱۴	۰/۹۷	۴/۰۷	* ۰/۰۰۱

* = $p \leq ۰/۰۵$

همچنین تفاوت معناداری بین این دو گروه از دانشجویان در تجربه این گروه از موانع وجود نداشت:

$$(F(1) = ۰/۵۸۷, p < ۰/۴۴۴, \eta^2 = ۰/۰۰۰)$$

در واقع عدم وجود شریک و همراه مناسب برای شرکت در فعالیتهای ورزشی عمدهترین عامل مؤثر بر عدم مشارکت هر دو گروه دانشجویان دانشگاههای ایران ($۳/۳۶ \pm ۱/۴۶$) و مجارستان ($۳/۲۹ \pm ۱/۵۰$) بوده است.

موانع ساختاری

نتایج نشان داد که موانع ساختاری نیز مانع از مشارکت هر دو گروه از دانشجویان ایرانی و مجاری می شود ($P \leq ۰/۰۵$) (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): تأثیر موانع ساختاری بر مشارکت دانشجویان دانشگاههای ایران و مجارستان در فعالیتهای

ورزشی

کشور	میانگین	انحراف استاندارد	t	Sig
ایران	۳/۶۹	۰/۴۲	۵۸/۸۷	* ۰/۰۰۱
مجارستان	۳/۴۲	۰/۷۹	۱۵/۰۵	* ۰/۰۰۱

* = $p \leq ۰/۰۵$

همچنین نتایج حاکی از وجود تفاوت معناداری در میزان تأثیر این گروه از موانع بر دانشجویان دو کشور بوده است:

$$(F(1) = ۱۰۲/۴۹۷, p < ۰/۰۰۱, \eta^2 = ۰/۰۴۶)$$

در این ارتباط مدیریت، سازمان دهی و هماهنگی ضعیف امکانات و برنامههای ورزشی از جمله تأثیرگذارترین عوامل بر مشارکت دانشجویان ایرانی بوده ($۴/۴۵ \pm ۰/۹۹$) حال اینکه وضعیت نامناسب اقتصادی دانشگاههای مجارستان از یک طرف و کیفیت پایین امکانات ورزشی موجود در دانشگاههای این کشور مؤثرترین عوامل بر شرکت دانشجویان آن کشور در فعالیتهای ورزشی بوده است ($۴/۱۶ \pm ۱/۳۴$).

در ارتباط با تأثیر موانع بر دانشجویان با توجه به عامل جنسیت نتایج حاکی از وجود تفاوتی معنادار در بین دانشجویان ایرانی بوده است ($P \leq 0/05$) (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴): تأثیر موانع بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان در فعالیت‌های ورزشی بر اساس جنسیت

کشور	جنسیت	موانع درون فردی		موانع بین فردی		موانع ساختاری	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
ایران	مرد	۲/۹۶*	۰/۶۹	۳/۰۳*	۰/۸۶	۳/۶۱*	۰/۳۶
	زن	۳/۹۸*	۰/۳۵	۳/۲۷*	۰/۶۶	۳/۸۳*	۰/۵۱
مجارستان	مرد	۲/۷۴	۰/۵۷	۳/۱۷	۰/۹۵	۳/۴۱	۰/۷۳
	زن	۲/۸۷	۰/۷۵	۳/۱۲	۱/۰۴	۳/۴۳	۰/۸۴

* = $p \leq 0/05$

در واقع دختران دانشجو در دانشگاه‌های ایران همه گروه‌های موانع را بیشتر از دانشجویان پسر تجربه می‌کردند:

موانع درون فردی: ($F(1) = 215/98, p < 0/001, \eta^2 = 0/14$)

موانع بین فردی: ($F(1) = 166/57, p < 0/001, \eta^2 = 0/12$)

موانع ساختاری: ($F(1) = 130/58, p < 0/001, \eta^2 = 0/09$)

در صورتی که این تفاوت در بین دانشجویان دانشگاه‌های مجارستان مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری

نتایج کیفی پژوهش (به‌دست آمده از طریق مصاحبه) در این قسمت ارائه شده است.

این پژوهش با هدف تجزیه و تحلیل موانع مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران و مجارستان انجام شده است. براساس نتایج به دست آمده موانع درون فردی مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های ایران بود، حال اینکه این تأثیر بر دانشجویان مجاری مشاهده نگردید. موانع درون فردی در واقع تأثیرگذارترین عوامل در مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی هستند. در واقع افرادی که این گروه از موانع مانع مشارکت آنها در فعالیت‌های ورزشی می‌شود ممکن است اصلاً بر این موضوع واقف نباشند که ممکن است حتی موانع دیگری در مسیر مشارکت آنها در فعالیت‌های ورزشی وجود داشته باشد. کرافورد، جکسون و گودبی (۱۹۹۱) در این ارتباط اذعان می‌دارند افرادی که بیشتر تحت تأثیر موانع درون فردی قرار دارند کمتر تحت تأثیر گروه‌های دیگر موانع قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، تجربه کمتر موانع درون فردی منجر به درک و تجربه‌ی بیشتر موانع بین فردی و ساختاری می‌گردد (۱۹).

نتایج نشان داد که موانع درون فردی بیشتر دختران دانشجوی ایرانی را در مقایسه با پسران دانشجو تحت تأثیر قرار داده است. این موضوع از جهات مختلفی قابل بررسی است. مسلماً در سطح کلان جامعه ایران، نگرش مردم به ورزش زنان نگرشی مثبت نمی‌باشد. این امر ناشی از محدودیت‌ها و مشکلات اجتماعی و فرهنگی متعددی است که ریشه در جامعه ایران دارد (۱۴). در واقع وابستگی به ارزش‌های قدیمی و پافشاری بر باورها و عقاید سنتی از جمله عوامل مؤثر بر این موضوع می‌باشند. از طرف دیگر، عدم تساوی بین زن و مرد علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که تاکنون انجام گرفته است، اختصاص و انطباق ورزش و فعالیت‌های بدنی به عنوان فعالیت‌های مردانه و همچنین حضور مردان به عنوان اعضای غالب در جامعه‌ی ایران می‌تواند بر نگرش نه‌چندان مثبت جامعه به ورزش زنان مؤثر باشد. همان‌گونه که در نتایج عنوان شد محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله مؤثرترین عوامل محدودکننده مشارکت دانشجویان ایرانی در فعالیت‌های ورزشی بوده است.

رسانه‌ها در ایران نیز در گسترش این نوع نگرش جامعه به ورزش زنان مؤثر هستند. بیشتر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که تلویزیون به همراه دیگر رسانه‌های جمعی تنها ورزش مردان را پوشش می‌دهند. تنها برنامه مرتبط با ورزش زنان در تلویزیون ملی ایران، پخش اخبار ورزشی بانوان می‌باشد که آن هم با زمانی بسیار اندک و تنها بعد از پخش اخبار ورزشی مردان پخش می‌گردد. در واقع تلویزیون ایران حتی در برخی موارد از پخش عکس‌هایی از مسابقات بانوان (حتی با رعایت کامل حجاب اسلامی) خودداری می‌کند. به طبع، دانشگاه‌های کشور نیز از سیاست کلی جامعه پیروی می‌کنند.

از طرف دیگر، اکثر مصاحبه‌شوندگان از عدم اجازه بانوان برای حضور در مسابقات ورزشی به عنوان تماشاگر گله داشتند و این عامل را مؤثر بر نگرش و گرایش خود، خانواده و جامعه زنان در فعالیت‌های ورزشی می‌دانستند. فقدان وجود الگوی مناسب برای زنان در ایران در حوزه ورزش از دیگر موارد مؤثر در این ارتباط می‌باشد. بیشتر مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که در واقع آنها هیچ الگویی را برای پیروی از آن در حوزه ورزشی در درون کشور نمی‌شناسند. این در حالی است که مسابقات، تمرینات و حتی زندگی روزمره برخی از ورزشکاران مرد در رسانه‌های ایران به نمایش گذاشته شده و عدم تساوی بین زنان و مردان در این حوزه نیز قابل مشاهده است.

در سطوح میانی و میکرو^۳ جامعه نیز شرایط به همین ترتیب است. سازمان دهندگان فعالیت‌های ورزشی در شهرها و استان‌های کشور برنامه‌های ورزشی را بر اساس اصول اجتماعی و فرهنگی غالب در کشور برنامه‌ریزی می‌کنند، که زنان از آن بهره لازم را نمی‌برند. این مورد نیز با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان دختر بر نگرش و گرایش آنها به ورزش و فعالیت‌های بدنی مؤثر بوده است. مورد قابل تأمل دیگر مساله ورزش بانوان در سطح جامعه (فضاهای روباز، پارکها، و طبیعت) است. بنابر اصول شرعی و قانونی رایج در ایران زنان ملزم به رعایت کلیه اصول در زمان پرداختن به ورزش می‌باشند و در صورت رعایت این اصول مجاز به استفاده از طبیعت، پارکها و فضاهای روباز خواهند بود. اما این امکان برای بانوان در برخی مناطق کشور وجود ندارد. بنا به اظهارات اکثریت مصاحبه‌شوندگان در واقع هنوز نه تنها افراد مسئول (مسئولین اماکن و پارکها، نیروی انتظامی و غیره) بلکه خود مردم نیز با شرکت زنان در ورزش در فضاهای روباز حتی با رعایت کلیه اصول شرعی و حجاب در برخی از نقاط کشور موافقت ندارند.

۱ Macro-social level

۳ Meso and micro- levels

۴ Role model

مورد قابل تأمل دیگر بر اساس اظهارات بیشتر مصاحبه شونده‌گان مرد و زن عدم توجه و اهمیت ندادن به وضعیت و پوزیشن بدنی در ایران است. در واقع در ایران، فرم مناسب و شکل بدنی مطلوب و آماده ارزش محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر چهره، آرایش مو و آرایش صورت برای مردان و زنان جوان در ایران بیشتر از داشتن بدنی آماده مورد ستایش و تقدیر قرار می‌گیرد که این موضوع نیز بالطبع بر نوع نگرش و میزان گرایش جوانان در فعالیت‌های ورزشی تأثیری انکارناپذیر دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های گذشته در یک راستا قرار دارد (۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۸، ۱).

در مقابل در مجارستان نگرش عمومی مردم در آن جامعه به ورزش و فعالیت‌های بدنی نگرشی کاملاً مثبت بوده و افراد در تمام سنین در انواع مختلف فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند. در واقع اکثریت مصاحبه شونده‌گان بر این باور بودند که ورزشکار بودن و داشتن بدنی قوی و خوش فرم برای زنان و مردان در آن کشور یک ارزش والا و قابل احترام است. به عبارت دیگر ورزش جزئی از فرهنگ جوانان در مجارستان است (۹). همچنین نابرابری‌های جنسیتی در آن کشور به مراتب کمتر از کشورهای آسیایی و بالخصوص کشورهای واقع در خاورمیانه است؛ لذا موانع روان‌شناختی و درون‌فردی مؤثر بر گرایش مردم مجارستان و به طبع آن بر دانشجویان دانشگاه‌های آن کشور نمی‌باشد (۹، ۱).

نتایج نشان داد که موانع بین‌فردی بر مشارکت دانشجویان ایرانی و مجاری تأثیرگذار است. این موضوع می‌تواند در ارتباط با هر کشور به صورت متفاوتی بررسی گردد. به طور کلی، میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی و همچنین میزان برقراری ارتباطات اجتماعی به صورت مستقیم در آنها کمتر از گذشته می‌باشد (۹) و در واقع جوانان به طور اعم و دانشجویان دانشگاه‌ها به طور اخص تمایل بیشتری به برقراری ارتباطات اجتماعی به روش‌های دیگری مثل برقراری ارتباطات اجتماعی اینترنتی دارند. این موارد در بین دانشجویان دانشگاه‌های مجارستان بیشتر مشاهده شده است. همه دانشجویان گزارش دادند که آنها همه روزه مقداری از اوقات فراغت خود را حتماً در گردش در سایت‌های اجتماعی اینترنتی (مثل فیس‌بوک) می‌گذرانند. در واقع زندگی آنها بدون وجود اینترنت و بدون دسترسی به سایت‌های اجتماعی بی‌معناست! همچنین بیشتر دانشجویان ترجیح می‌دهند تا به جای برقراری ارتباطات مستقیم با دوستان خود از روش‌های مجازی برقراری ارتباطات اجتماعی استفاده کنند، مانند استفاده از اپلیکیشن‌های ارتباطی و اجتماعی رایگان مثل وایبر، واتس‌آپ، اسکایپ، اینستاگرام، و غیره، لذا بنا به گفته اکثریت مصاحبه شونده‌گان این مورد تأثیری منفی در تمایل آنها به برقراری ارتباطات مستقیم اجتماعی از یک سو و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی از سوی دیگر دارد.

از طرف دیگر، امکان انتخاب زیاد و متنوع بودن فعالیت‌های ورزشی برای دانشجویان از یک طرف و متنوع بودن فعالیت‌های تفریحی خارج از محیط‌های ورزشی شاید از جمله موارد مؤثر بر عدم یافتن شریک مناسب برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی و به صورت کلی وجود موانع بین‌فردی و تأثیر آنها بر دانشجویان دانشگاه‌های مجارستان باشد.

در ایران، در مقابل شرایط متفاوت است. در واقع یافتن شریک و یار مناسب برای دانشجویان آسان نیست زیرا تعداد دانشجویانی که تمایل به شرکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی دارند زیاد نمی‌باشد (۱۴). تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی و مخصوصاً دختران دانشجو اذعان داشتند که آنها به ورزش نمی‌پردازند زیرا شریک مناسبی برای مشارکت مداوم در ورزش وجود ندارد. در واقع بیشتر دوستان آنها تمایل به شرکت در فعالیت‌های تفریحی به غیر

از فعالیت‌های ورزشی دارند. به عبارت دیگر شرکت در ورزش برای گذران اوقات فراغت در اولویت جوان ایرانی قرار ندارد و افراد ترجیح می‌دهند در دیگر فعالیت‌ها مشارکت داشته باشند که این موارد نیز ناشی از مشکلات اجتماعی- اقتصادی موجود در جامعه ایران است (۲۸).

موانع ساختاری نیز از جمله گروه موانع مؤثر بر مشارکت دانشجویان دو کشور در فعالیت‌های بدنی، مخصوصاً دانشجویان ایرانی بوده است. مدیریت نه چندان مناسب و عدم برنامه‌ریزی صحیح برنامه‌های ورزشی از جمله مؤثرترین موارد عنوان شده توسط دانشجویان ایرانی بوده است. در واقع امکانات ورزشی موجود در دانشگاه‌های ایران متناسب با تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در آن دانشگاه‌ها نمی‌باشد. از طرف دیگر، امکان استفاده دانشجویان از امکانات ورزشی دانشگاه‌ها در کلیه ایام هفته وجود ندارد و در بهترین حالت هر یک از گروه‌های دانشجویان دختر و پسر می‌توانند تنها در برخی از روزهای هفته به ورزش بپردازند. در این شرایط، مدیریت صحیح اماکن و امکانات ورزشی و برنامه‌ریزی کارآمد برنامه‌های مرتبط با ورزش در دانشگاه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، موضوعی که مصاحبه بیشتر دانشجویان عدم وجود آن را تأیید می‌کند.

در مجارستان اما شرایط متفاوت است. بیشتر دانشگاه‌های این کشور برای رهایی از وضعیت اقتصادی نامناسب و ایجاد موقعیت درآمدزایی دست به اجاره اماکن ورزشی خود می‌زنند. همچنین به همین دلیل امکان تجهیز و بروز کردن امکانات و تجهیزات ورزشی در آن دانشگاه‌ها همیشه وجود ندارد. از طرف دیگر بیشتر دانشجویان مجاری از کمبود قدرت خرید لوازم گران قیمت ورزشی و عدم توانایی همیشگی برای استفاده از اماکن ورزشی خصوصی به علت مشکلات اقتصادی ناراضی بودند و این موارد را بسیار مؤثر بر میزان مشارکت خود در فعالیت‌های ورزشی می‌دانستند.

در اینجا بیان این نکته ضروری است که مطالب فوق مبنی بر نامناسب بودن وضعیت اقتصادی مجارستان و دانشگاه‌های آن کشور بیشتر از ایران نیست. در واقع همان‌گونه که پیشتر بیان شد موانع دیگری مؤثرتر و قوی‌تر از موانع اقتصادی، و در واقع موانع ساختاری، بر سر راه مشارکت دانشجویان ایرانی، مخصوصاً دختران دانشجو قرار دارد که بر مشارکت آنها در ورزش تأثیرگذار است. این نتایج با یافته‌های تحقیقات گذشته همخوانی دارد (۲۷، ۲۵، ۱۴، ۹، ۱). لذا با توجه به مطالب ذکر شده اصلاً جای تعجب نیست که میزان مشارکت دانشجویان ایرانی به مراتب کمتر از افراد همسن و هم رشته خود در دانشگاه‌های مجارستان باشد.

در پایان با توجه به نتایج می‌توان عنوان کرد که دانشجویان در کشور مجارستان یک مرحله از دانشجویان ایرانی، و بیشتر دختران دانشجو در ایران، در پشت سر گذاشتن موانع مؤثر بر مشارکت در ورزش جلوتر هستند. در واقع آنها سد پر قدرت موانع درون فردی را پشت سر گذاشته‌اند و مشارکت بیشتر آنها در ورزش و فعالیت‌های بدنی تأییدی بر این موضوع است. لذا شناخت بیشتر موقعیت و وضعیت موجود در ورزش دانشگاهی و بررسی صحیح موانع پیش روی دانشجویان می‌تواند گام مثبتی در راه افزایش مشارکت دانشجویان و ارتقای ورزش دانشجویی باشد. در حال حاضر بیشتر تمرکز مسئولین ورزش برای افزایش مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی چه در سطح جامعه ایران و چه در سطح دانشگاه‌ها بر ارتقاء کمی تسهیلات ورزشی می‌باشد. البته این موضوع بسیار حائز اهمیت بوده اما توجه بیشتر به دیگر عوامل و موانع تأثیرگذار بر افراد (مثل نگرش، محدودیت‌های اجتماعی، مشکلات فرهنگی) که شاید بمراتب از موانع ساختاری تأثیرگذارتر بوده خالی از نتیجه نمی‌باشد.

References:

- 1- Mirsafian, H. (2014). Attitudes of Iranian male university students toward sport and exercise with reference to age, educational level, and field of study. *Physical Culture and Sport Studies and Research*, 64, 18-29.
- 2- Searle, M. S., & Jackson, E. L. (1985). Recreation non-participation and barriers to participation: considerations for the management of recreation delivery systems. *Journal of Park and Recreation Administration*, 3, 23-36.
- 3- Jackson, E. L. (1990). Variations in the desire to begin a leisure activity: evidence of antecedent constraints. *Journal of Leisure Research*, 22, 50-70.
- 4- Kowalski, C. L., & Lankford, S. V. (2010). A comparative study examining constraints to leisure and recreation opportunities for youth living in remote and isolated communities. *World Leisure Journal*, 52(2), 135-147.
- 5- Hultsman, W. Z. (1992). Constraints to activity participation in early adolescence. *Journal of Early Adolescence*, 12, 280-299.
- 6- Young, S. J., Ross, C. M., & Barcelona, R. J. (2003). Perceived constraints by college students to participation in campus recreational sports programs. *Recreational Sports Journal*, 27(2), 47-62.
- 7- Masmanidis, T., Gargalianos, D., & Kosta, G. (2009) Perceived constraints of Greek university students' participation in campus recreational sport programs. *Recreational Sports Journal*, 33, 150-166.
- 8- Ehsani, M. (2003). The Relationship between Barriers and Gender in Sport Participation in Iran. *Leisure and Visual Culture Conference*. Available from <http://www.leisure-studies-association.info/LSAWEB/2003/Abstracts/Ehsani.html>
- 9- Szabó, Á. (2006). University student recreational sport (service) consumption. (Hungarian). Available from <http://edok.lib.uni-corvinus.hu/114/1/Szabo76.pdf>
- 10- Asihel, S. G. (2009) Perception of constraints to recreational sport participation: the case study of female undergraduate students in tertiary institution, Lambert Academic Publishing, USA.
- 11- Hiu, E., Tsai, L., & Coleman, D. J. (2007). Preferences for active recreation and perceived constraints to regular active recreation participation: a cross-cultural study of Hong Kong and Australian university students. *Leisure*, 31(1), 155-189.
- 12- Beirami, S. (2009). Comparison the effective constraints toward participation of high school students in sports in Isfahan and Oromiyeh Unpublished master thesis, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Isfahan. (Persian)
- 13- Dadashi, M. (2000). Study the constraints toward participation of students to sport in leisure time at Isfahan University of Technology. Unpublished master thesis, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Isfahan. (Persian)
- 14- Mirsafian, H., Doczi, T., & Mohamadinejad, A. (2013). Attitude of Iranian female university students to sports and exercise. *Iranian Studies*, 47(6), 951-966.
- 15- Azabdaftaran, M. (1999). Study the constraints toward participation of female students in sports in Islamic Azad University Khorasgan Branch. Unpublished master thesis, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (Persian)
- 16- Ehsani, M. (2007). Level of sport participation for women in Iran and leisure constraints. *Humanities*, 12(3), 15-27.
- 17- Damianidis, C., Kouthouris, C., & Alexandris, K. (2007). Perceived constraints on extracurricular sports recreation activities among students. The case study of schools of Livadia city in Greece. *Inquiries in Sport and Physical Education*, 5(3), 379-385.

- 18- Crawford, D. W., & Godbey, G. (1987). Re-conceptualizing barriers to family leisure. *Leisure Sciences*, 9, 119-127.
- 19- Crawford, D. W., Jackson, E. L., & Godbey, G. (1991). A hierarchical model of leisure constraints. *Leisure Sciences*, 13, 309-320.
- 20- Mannell, R. C., & Kleiber, D. A. (1997). *A Social Psychology of Leisure*, Venture Publishing, PA.
- 21- Shaw, S. M., Bonen, A. & McCabe, J. F. (1991) Do More Constraints Mean Less Leisure? Examining the Relationship between Constraints and Participation. *Journal of Leisure Research*, 23(4), 286-300.
- 22- Available from http://en.wikipedia.org/wiki/Culture_of_Hungary#Sport
- 23- Available from <http://www.mefs.hu/>
- 24- Shavarini, M. K. (2006). The role of higher education in the life of a young Iranian woman. *Women's Studies International Forum*, 29, 42-53.
- 25- Mirsafian, H., Mohamadinejad, A., Homaie, R., & Hédi, C. (2013). Motivation of Iranian university students for participation in sporting activities. *Physical Culture and Sport Studies and Research*, 59, 42-48.
- 26- Parsamehr, M., Niknejad, M. R., & Hedat, A. (2015). Study the relationship between social cognitive models and improving the motivation of participation to physical activity among social science students of Yazd University. *Journal of Sport Management & Action Behavior*, 11(21), 185-192. (Persian).
- 27- Abdollahi, D. (2012). Factors reluctance the girls toward participation in school sport activities (A case study of the Ardebil province's girl high schools). *Journal of Sport Management & Action Behavior*, 9(17), 27-46. (Persian).
- 28- Available from <http://www.faraghat.org/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=6d566ab4-db7d-4c8f-986e-49afa9ff9e4f>